

دستور جلسه برای سیاست‌گذاری مسئله روابط جنسی در ایران؛

روابط جنسی به شیوه مدرن یا سنتی

سید محمد علی غمامی*

چکیده

روابط جنسی نامشروع تهدیدی جدی برای ایمان و حیات انسانی است. «پیامدهای» منفی چنین روابطی را نمی‌توان انکار کرد؛ از هتک حرمت‌ها و به خطر افتادن بنیان خانواده گرفته تا روسپی‌گری، تجاوز، سقط جنین و مخاطرات جمعیتی. در این مقاله پس از آن‌که مسئله و علت اصلی این روابط از پیامدها و زمینه‌های این ناهنجاری تفکیک شد، «مسئله» و ناهنجاری در روابط جنسی ناشی از نبود الگوهای فرهنگی بهنجار برای رفع یک «نیاز» واقعی تعریف گردید. موقعیتهای بسیاری را می‌توان دید که در آن‌ها افراد نیازهای جنسی دارند، اما امکان ازدواج دائم تک‌همسری برایشان وجود ندارد و این درحالی است که روش بهنجار دیگری در عرصه فرهنگ برای این شرایط تعریف نشده است و گویی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران نیز به این مسئله بی‌توجه است. بدین ترتیب بازاندیشی در این زمینه یکی از ضروری‌ترین و در عین حال مغفول‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران به شمار می‌آید. این مقاله با صورت‌بندی تصویری از مسئله، آن را بر روی میز سیاست‌گذاری نهاده و با بررسی نظریه‌های موجود، نشان داده است که نظام سیاست‌گذاری، نیازمند نظریه‌ای جدید برای ساماندهی و سالم‌سازی روابط جنسی در جامعه است. همچنین نگارنده با معرفی معیارهای سه‌گانه، سعی کرده است، چارچوبی برای ارزیابی و انتخاب نظریه مناسب در این زمینه ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها

سیاست‌گذاری فرهنگی، تحلیل سیاست، خانواده، ازدواج دائم، حکمت و فرهنگ، فلسفه.

مقدمه

آرایش و تحریک جنسی در شهرهای بزرگ به معضلی برای جامعه ایرانی بدل شده است. این نمایش به بیان گافمن یک «کنش نمایشی»^۱ است که «روی صحنه» و «پشت صحنه» آن متفاوت است. زندگی مدرن تبدیل به یک نمایش شده است که افراد خود را در آن عرضه می‌کنند تا تاثیر خود را بر دیگران مدیریت^۲ کنند (گافمن، ۱۹۵۹). در این میان دستگاه‌های اجتماعی و نظارتی نتوانسته‌اند این مسئله را به شیوه‌ای نرم حل نمایند و از این رو، پلیسی را با عنوان «پلیس امنیت اخلاقی» به کار گرفتند تا در جهت دفاع از ارزشهای اسلامی اقدام نماید. این تحریک و آرایش‌ها در ایران تنها به خیابانها محدود نمی‌شود، بلکه به روابط ناسالمی نیز می‌انجامد که پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای جامعه در بر خواهد داشت. روابط ناسالم پسران و دختران در ایران معضل و پیامدهایی داشته که همگان به ویژه اقشار دیندار را سردرگم کرده است، چنان که مسئله و راه حل آنها روشن نیست.^۳ به نظر نگارنده، مشکلات اقتصادی یا اجتماعی خانواده‌ها و جوانان علت اصلی این ابتذال نیست و مسئله به طرزی پیچیده در محاق تفکرات مدرن و مسائل فرهنگی پنهان شده است.^۴ رواج روابط نامشروع در میان اقشار ثروتمند شاهدی بر پیچیدگی مشکل است. این مقاله تلاش دارد مسئله و علت اصلی این مشکل را تبیین نماید و «دستور جلسه‌ای»^۵ متناسب با آن بر روی میز سیاستگذاری قرار دهد.

پیامدهای روابط نامشروع زن و مرد

پیامد را باید از مسئله تفکیک کرد. پیامد، نتیجه‌ای است که به عنوان ناهنجاری در روابط اجتماعی و فرهنگی ظاهر شده است. اما «مسئله»، ریشه یک پیامد را مدنظر قرار می‌دهد و تناقضات واقعی و درونی آن را آشکار می‌کند. پیش از آن که مسئله را بیایم به طرح پیامدهای روابط نامشروع زن و مرد اشاره خواهیم نمود.

روابط نامشروع زن و مرد نتایجی در پی دارد که سبب می‌شود این رابطه به یک معضل و چالش در جامعه اسلامی بدل شود. مهم‌ترین پیامد رابطه نامشروع برای جامعه اسلامی، گسترش بی‌ایمانی است^۶ (نور، ۳؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۸۰).

1. Dramaturgical action

2. Impression management

۳. دکتر محمود گلزاری - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی - در همایشی، آمار قابل تأملی از دوستی دختران دبیرستانی ارائه داد و گفت: در ایران ۸۰ درصد دختران دبیرستانی با یک پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی نیز داشته باشند. (http://www.wafa.ir/ejtemaee/asib_ejtemaee/8426.html)

۴. از دهه ۷۰ آمار طلاق روند صعودی به خود گرفته است.

5. agenda

۶. امام صادق **۷**، می‌فرماید: «چون مرد زنا کند روح ایمان از او جدا شود» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۸۷).

به دلیل آن که در مطالعات اجتماعی، به شدت متأثر از مطالعات غربی هستیم و در مطالعات جامعه‌شناختی مشروع و نامشروع بودن تحقیق نمی‌شود، از این رو پیامدهای آن نیز بررسی نمی‌شود. بیشتر مطالعات جامعه‌شناختی مربوط به مطالعات فمینیست‌ها و حداکثر، آثار صنعتی شدن و مدرنیته بر روی خانوارهاست (آبوت و والاس ۱۳۸۷؛ کونن ۱۳۸۴: ۱۷۶). عدم مطالعه در این زمینه مانع آن می‌شود تا آماری نیز در این زمینه داشته باشیم^۱ و هشدار برای همگان باشد.

سیاهه زیر مهمترین پیامدهای رابطه نامشروع زن و مرد را نشان می‌دهد:

(۱) تمایل به بی‌دینی و بی‌بند و باری؛ (۲) هتک حرمت احکام اسلامی به طور گسترده و خفیف شدن ارزش‌های دینی مانند عفت، حیا، حجاب، نکاح، صبر و...؛ (۳) روسپی‌گری^۲، تجاوز و زنا؛ (۴) به وجود آمدن فرزندان زنازاده و زنازادگان یتیم؛ (۵) قتل نفس و سقط جنین^۳؛ (۶) افزایش آمار حبس، اعدام و مجازات‌هایی چون شلاق یا سنگسار؛ (۷) افزایش آمار طلاق^۴؛ (۸) عدم تشکیل خانواده و نزول منحنی جمعیت^۵ و پیرشدن جمعیت کشور^۶؛ (۹) افسردگی ناشی از خیانت و بی‌آبرویی به‌ویژه برای دختران و دشواری پی‌گیری‌های

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب‌های جامعه‌شناسی بخشهای جنسیت و گرایش جنسی و خانواده، مراجعه کنید.
۲. در پی دستگیری بالغ بر دو هزار زن خیابانی و بررسی وضعیت آنها، مشخص شده که ۶۰۰ نفر از آنها روسپی‌گری را به عنوان شغل خود انتخاب کرده‌اند و ۱۴۰۰ نفرشان از طریق شبکه‌های مجازی به این دام افتاده و اقدام به ارتباط‌گیری با مردان هوسران می‌کرده‌اند (رجانیوز، دسترسی در ۱۳۹۰/۱۰/۲)

<http://www.jahannews.com/vdcipzazzt1avy2.cbct.html> -

۳. دکتر حسین ملک‌افضلی، استاد آمار حیاتی و رییس پژوهشکده سلامت خانواده دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید: «به صورت تخمینی می‌توان گفت که در حال حاضر سالانه ۱۲۰ هزار سقط غیرقانونی در کشور انجام می‌شود». این بدان معناست که روزانه حدود ۳۲۰ نفر بر اثر سقط به قتل می‌رسند و هر ساعت ۱۳ نفر. آمارهای ثبت شده در باب سقط جنین بیان‌گر رشد ۱۸.۸ درصدی سقط جنین است.

<http://www.wafa.ir/elmi/darman/8869.html>.

۴. طبق آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۰، آمار طلاق ۱۴۲ هزار مورد بوده است که نسبت به سال گذشته چهار درصد افزایش داشته است. البته، سازمان ثبت اسناد کشور معتقد است که آمار طلاق ۷ درصد افزایش داشته است (گزارش سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۱).

۵. طبق آماری که گاردین در سال ۲۰۰۰ میلادی در مورد بریتانیا منتشر کرده است، تعداد افرادی که تنها زندگی می‌کنند نسبت به چهل سال پیش سه برابر شده است. بیش از ۶ میلیون انگلیسی، یعنی ۲۸ درصد خانوارها تنها زندگی می‌کنند. نه تنها سن ازدواج بالا رفته است که زنان نیز در سنین بالا تصمیم به فرزند دار شدن می‌گیرند. (گاردین، ۲۷ مارس ۲۰۰۰: ۳). آمارها در ایران نیز نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت و شاخص کلیدی «آهنگ باروری کلی» که نشانگر تعداد فرزندان جانشین والدین است، به سطح نگران‌کننده‌ای رسیده است. هم اکنون رشد جمعیتی در ایران ۱.۳ تا ۱.۸ درصد است که در نهایت به رشد منفی جمعیت خواهد انجامید برای حفظ رشد جمعیت باید رشد ۲.۱ درصدی در ایران وجود داشته باشد (فارس نیوز، دسترسی در ۱۳۹۰/۱۲/۰۳)

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901203000346>(

۶. فاصله سن بلوغ و ازدواج در کشور به شدت بالا رفته است، به طوری که دختران ۱۸ سال پس از بلوغ ازدواج می‌کنند و پسران ۱۵ سال پس از بلوغ تن به ازدواج می‌دهند.

قانونی آن؛ ۱۰) بی‌سرپرست ماندن بسیاری از زنان در جامعه؛ مانند زنان مطلقه، نازا، فقیر و تمایل آنها به خودفروشی و برقراری رابطه دوستی که با افزایش دختران دم‌بخت و کاهش سن ازدواج دختران حادث‌تر می‌شود؛ ۱۱) تزلزل مهمترین کانون‌های تربیت کودکان؛ ۱۲) گسترش بیماری‌هایی چون ایدز؛ ۱۳) از میان رفتن امنیت اخلاقی در اجتماع؛ ۱۴) تنزل سطح سرمایه انسانی و فکری جامعه به مبتذلترین سطح؛ ۱۵) فشار به خانواده‌های دختردار.

اگر تنها به عواقب و پیامدهای این رابطه نامشروع محدود شویم باید هزینه زیادی را برای کسب نتایج موقتی به هدر دهیم. مقابله با ایدز یا برخورد با رفتارهای نابهنجار در انظار عمومی و کمک به خانواده‌های دختردار لازم است، اما این، مسئله اصلی و ریشه مشکل نیست.

زمینه‌های ایجاد رابطه نامشروع

زمینه‌ها در این تحقیق نیز با مسئله متفاوت است. زمینه‌ها به تناقض، رابطه آن با دیگر عوامل و وزن آن‌ها توجه نمی‌کنند و بیشتر زمینه گسترش مسئله هستند نه خود مسئله. زمینه‌هایی وجود دارند که مردان و زنان به ایجاد رابطه‌ای نامشروع تمایل پیدا می‌کنند. در زیر به فهرست کوتاهی از زمینه‌های ایجاد رابطه نامشروع اشاره می‌کنیم:

الف) عدم شناخت و پایبندی دستورات مهم الهی مانند امر به معروف و نهی از منکر، حجاب و...؛

ب) گناه، مال حرام و...؛

ج) عدم گرایش به تشکیل خانواده به سبب مشکلات مالی؛ مانند اشتغال، مسکن و مهریه؛
د) مشکلات شهرنشینی که سبب کاهش روابط سالم میان خانواده‌ها و گسترش حضور «غریبه‌ها» شده است؛ سینماها، فرهنگ‌سراها، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها؛

ه) مشکلات نظام آموزشی از جهت مدیریت و از جهت محتوا (دانشگاه و مدرسه): اصل قرار گرفتن تحصیلات نسبت به خانواده، روابط علمی بدون رعایت اخلاق و شرع، آموزش محتواها و الگوهای غربی برای خانواده.

۱. «با گسترش بی‌سابقه روابط نامشروع در ایالات متحده آمریکا، میزان بیماری‌های واگیردار جنسی نیز به شدت افزایش یافته است، به حدی که آمریکا در میان کشورهای پیشرفته، بالاترین میزان بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار جنسی را به خود اختصاص داده است. مقامات رسمی اظهار می‌دارند که ما با شیوع گسترده بیماری‌های جنسی روبه‌رو هستیم. (برگرفته از تحقیقات لیری، ۱۹۹۶)» (ویتز، ۱۳۹۰)؛ مقاله ویتز تأثیرات روابط نامشروع در آمریکا را با آمار توضیح داده است.

و) مشکلات نظام اقتصادی: اصل قرار گرفتن شغل، فشارهای اقتصادی مانع ازدواج پسران و...؛

ز) مشکلات نظام اجتماعی: افزایش جمعیت دختران دم بخت، کاهش سن بلوغ آنها، کاهش تمایل پسران برای ازدواج؛

ح) مشکلات نظام سیاسی: سیاست‌های دولت و فشارهای مالی بر خانواده و تسهیل روابط خارج از خانواده (ناآگاه) ایجاد و ساخت فرهنگ سررا، پارک، سینما، کافی شاپ و کافی‌نت‌ها به عنوان رقیب مسجد، لایحه تحکیم خانواده^۱ ماده ۲۳، تعلل در اجرای سیاست‌های حمایتی مانند قانون تسهیل ازدواج زنان مصوب ۱۳۸۴؛

ی) مشکلات نظام دینی: نقش حداقلی در جامعه و پذیرفتن اصول توسعه؛
ک) تحولات نهاد خانواده: تک هسته‌ای شدن و فردگرایی درون خانواده و از بین رفتن مرجعیت خانواده برای فرزندان

ل) تأثیر علم و فرهنگ مدرنیته به عنوان الگو؛
م) ترویج فرهنگ غربی به صورت گسترده در رسانه‌های غرب برای سوء استفاده، مانند مد و مانکن؛

ن) و موارد دیگری همچون:

- جریان‌های فمینیستی رادیکال، لیبرال، مارکسیست و اسلامی: نشستن تفکر تشابه به جای برابری؛^۲
- جریان‌های هم‌جنس‌گرا؛
- گسترش روابط دوستی و تمایل به تجرد؛
- ایجاد شبکه‌های اینترنتی ابتدال و دوست‌یابی؛
- سیاست‌های غرب برای استعمار فرهنگی؛

۱. ماده پیشنهادی کمیسیون قضایی ازدواج مجدد را منوط به شروطی کرده است که برخی از آن‌ها غالباً تحقق نمی‌یابد. این که زوج، برای کسب مجوز ازدواج، اقدام به طرح شکایت علیه همسر خود کند و مسائل عرصه خصوصی را به حریم دادگاه بکشاند نه به مصلحت خانواده است و نه در مواردی چون نشوز جنسی به آسانی اثبات می‌شود... آیه شریفه (وَإِنْ حَضَمْتُمْ أَلَّا تُغَيِّبُوا فَوَاحِشَةً) به رعایت آن اشاره می‌کند، عدالت در انفاق و در حق میت، با توضیحاتی است که در کتب فقهی آمده است، اما رعایت عدالت عاطفی امری غیرممکن است که آیه شریفه (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تُغَيِّبُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَبِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ) نیز به عدم اعتبار آن اشاره می‌کند.

۲. فمینیسم لیبرال: این شاخه از تولید نابرابر و استثمار زنان در جامعه انتقاد می‌کند و بر برابری تأکید می‌کند بنابر فمینیسم رادیکال، منافع مردان و زنان به نحو اجتناب‌ناپذیری با یک‌دیگر متفاوت است و باید میان این دو علاقه کاملاً تفکیک کرد بنابر فمینیسم مارکسیست: علت انقیاد زن را در نظام سرمایه‌داری جست‌وجو می‌کند و راه حل آن را در سوسیالیسم می‌یابد. (بشیریه، ۱۳۷۹؛ رحمانی، ۱۳۸۶).

• عدم توجه به تغییرات جمعیتی

اگر سیاست‌گذاری بر عوامل و زمینه‌های پیش گفته متمرکز شود، با طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها رو به رو می‌شود و چنان سردرگم خواهد شد که قدرت عمل از او سلب خواهد شد.

مسئله: علت تمایل به ایجاد رابطه نامشروع

سایت «کلوب» بزرگترین و پرمراجعه‌ترین شبکه اجتماعی در اینترنت این پرسش را که «بهترین راه برای رفع نیازهای غریزی نوجوانان چیست؟» به گفت‌وگو گذاشته و بهترین پاسخ را بر اساس رای کاربران ارائه داده است:

«مطمئناً بهترین راه برای رفع یک نیاز، برآورده کردن آن، از راه درست است. نیاز غریزی هم از نیازهایی است که خداوند در وجود هر انسانی قرار داده است و بهترین راه آن، ازدواج است. ولی در شرایط فرهنگی — اجتماعی امروز متأسفانه این امر، تقریباً برای یک نوجوان ممکن نیست. البته در موارد نادر امکان پیدا می‌کند که فعلاً با آن کاری نداریم. از طرفی، برآورده کردن نیاز از راه‌های غیر معقول که به عقیده‌ی ما مسلمانان شامل راه‌های غیر شرعی هم می‌شود، موجب ایجاد ضربه‌های جبران‌ناپذیر به جسم و روح فرد می‌شود. با مقدمات مذکور، تنها راهی که در مورد نوجوانان عزیز جامعه ما باقی می‌ماند، صرف نظر کردن از این نیاز است و مشغول شدن به دیگر نیازهایی که قابلیت برآورده شدن دارند. برای مثال، نیاز به تفریح، ورزش، مطالعه، فعالیت فکری و غیره که گاهی لذت بخش‌تر از نیاز جنسی هم هستند. در این شرایط اگر نوجوان سعی کند با معطوف کردن حواس و ذهنش به دیگر جوانب زندگی، تا زمان امکان ازدواج، خود را از گناه و انحرافات جنسی، دور کند، بی‌شک به مشکلی بر نخواهد خورد. (دقیقاً مانند انسان گرسنه‌ای که غذایی پیدا نمی‌کند. این فرد می‌کوشد با مشغول کردن خود به دیگر فعالیت‌ها، گرسنگی‌اش را فراموش کند تا وقتی که غذایی یافت شود. ولی اگر این کار را نکنند به انحراف کشیده می‌شود. مثلاً حتی حاضر به خوردن اشیاء تنفرآور مثل خاک، حشرات و غیره هم می‌شود.»^۱

توجه به پیامدها یا زمینه‌ها نمی‌تواند به یک راه حل مطلوب بیانجامد بلکه باید مسئله و ریشه

(دسترسی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱). http://www.cloob.com/timeline/answer_15093_585888

اصلی این ناهنجاری در روابط جنسی درک شود. جوابی که در سایت کلوب انتخاب شده پاک کردن صورت مسئله است، به همین دلیل از حل واقعی مشکل عاجز مانده است. شاید جواب بالا به عنوان یک توصیه، قابل پذیرش باشد اما سیاستگذاری نمی تواند با پاک کردن صورت مسئله، به یک راه حل دست پیدا کند. به نظر می رسد سیاستگذاران نیز همین توصیه را به مردم می کنند تا سیاستگذاری نکنند؛ به جای رفع نیاز جنسی، خود را خسته کنید یا گزینه گرسنگی را جایگزین آن کنید!؟

فهم مسئله در جامعه ایرانی در حجابهای دیگری نیز پنهان شده که مانع از توجه به مسئله و واقعیت جامعه ایرانی اند. از شمار مهمترین موانعی که مانع شناسایی مسئله می شوند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پدید آمدن نظریه‌هایی در حوزه مسائل جنسی که مانع شده تا اندیشمندان ایرانی مسائل خود را شناسایی کنند. مطالعات حوزه فمینیسم، روانکاوی فروید برای توضیح عواقب سرکوب «رانه‌های طبیعی جنسی»، مطالعات مردم نگارانه اندیشمندانی همچون برانیسلاو مالینفسکی از این جمله اند. همین طور نظریه‌های یونگ، لاکان و پسالاکانی‌ها نیز ناظر به مسائل جوامع اروپایی است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۲۲). عللی که نظریه‌های نوپدید در غرب برای ناهنجاری‌های جنسی ارائه کرده‌اند، مانع از آن شده تا علت اصلی این ناهنجاری در ایران مشخص شود.

۲. پرده دیگری که مانع از فهم مسئله در جامعه ایرانی است خلط مسئله و زمینه است. آنچه به عنوان زمینه ایجاد روابط نامشروع ذکر شد، بیش از آن که علت اصلی باشند زمینه‌های یک رابطه نامشروع اند نه ریشه اصلی این ناهنجاری.

۳. اشتباه میان علت و پیامدها نیز مانع از آن است که مسئله به خوبی رخ بنماید. هنگامی که افراد با پیامدها رو به رو می شوند، آسان‌ترین راه را مقابله با همان چیزی می دانند که می بینند. برای نمونه، معماری ساختمان‌های شهری و الگوهای زندگی در آپارتمان‌ها بر روند روابط نامشروع تأثیر دارد، اما این مولفه را نباید علت اصلی مشکل انگاشت و راه حل را بر اساس تغییر در چنین مولفه‌هایی طراحی کرد.

مسئله واقعی ناهنجاری ریشه در یک نیاز واقعی دارد. این نیاز، الگوی فرهنگی را برای رفع خویش طلب می کند. ناهنجاری جنسی مرتبط با شیوه‌های پاسخ به این نیاز واقعی یا همان الگوی فرهنگی است که بدان چنگ انداخته است. نیاز جنسی به عنوان یک نیاز واقعی، انسان را وامی دارد تا یک رفتار جنسی را انتخاب کند. این رفتار جنسی یا بهنجار است یا ناهنجار.

مسئله در این مورد وقتی روشن می‌شود که آگاه شویم که آیا الگوهای بهنجاری برای پاسخ به این نیاز واقعی وجود دارد؟ در جامعه ایرانی دو راه برای رفع این نیاز بیشترین رواج را دارد و شقوق دیگر آن با مجازات‌های سنگین و فشارهای اجتماعی روبه‌رو است:

شیوه مدرن: رابطه جنسی از طریق روابط دوستی

برای زنا سه حد قتل، رجم و شلاق در فقه اسلامی تعریف شده است که زنا حاصل از روابط دوستی مشمول کمترین حدّ، یعنی شلاق می‌شود. البته به دلیل آن که این رابطه بر روابط دوستانه مبتنی است و دو طرف آن را کتمان می‌کنند به سختی قابل اثبات است و گسترش روزافزون آن نیز مانع از پیگیری و مقابله با آن شده است، تقریباً به یک امر رایج و عادی تبدیل شده است.

شیوه سنتی: رابطه جنسی در ازدواج دائم تک همسری

رابطه اول مصداق زناست و از شمار گزینه‌های بهنجار برای ارضای تمایل جنسی خارج می‌شود. تنها راهی که در میان الگوهای بهنجار در فرهنگ ایرانی وجود دارد ازدواج دائم تک‌همسری است. بی‌تردید همه بر ازدواج دائم تک‌همسری - به عنوان یک راه حل - اتفاق نظر دارند، اما پرسش بی‌پاسخ این است که آیا برای همه امکان یا تمایل به ازدواج دائم تک‌همسری وجود دارد؟ در این جا چهار دسته از افرادی که ازدواج دائم برای آنها ممکن نیست یا تمایلی به آن ندارند را ذکر می‌کنیم. اینان بهترین راهی که برای فرونشاندن این تمایل جنسی می‌یابند، همان برقراری رابطه دوستی است:

۱. زنانی که از مظان ازدواج خارج شده‌اند: زنان نازا؛ زنان بیوه؛ زنان مسن؛ زنانی که بیماری‌هایی غیرجنسی دارند و هر لحظه امکان مرگ یا ناتوانی کامل آنها وجود دارد؛ مانند صرع و سکت قلبی و...؛ زنان فقیر؛ زنان نازیبا؛ زنانی که به سبب نگهداری از مادران، یا پدران و یا فرزند یتیم خود، و یا به بهانه یافتن شغل، ادامه تحصیلات، و یا به جهت نفرت از ازدواج دائم، بسیار جوان بودن و... از ازدواج پرهیز می‌کنند.

۲. مردانی که امکان یا تمایل به تشکیل خانواده ندارند: مردان به این دلیل که در امر ازدواج خواستگار هستند کمتر با مشکل یا مانعی برای ایجاد خانواده روبه‌رو هستند اما می‌توان مواردی را برشمرد که در آن مردان از تشکیل خانواده دوری می‌کنند: مردان عقیم؛

۱. هم‌اکنون بالغ بر ۵/۱ میلیون نفر زن بیوه و مطلقه در کشور وجود دارد و روزانه نیز ۱۶۰ نفر به این آمار اضافه می‌شود.

بنابر آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران از سرشماری (http://www.wafa.ir/eitemaee/asib_eitemaee/8711.html)

سال ۸۵، تعداد زنان بدون همسر در اثر فوت ۶ برابر تعداد مردان بدون همسر در اثر فوت است.

مردانی که توانایی مالی یا جسمی ندارند و نمی‌توانند یک خانواده را اداره کنند؛ مردان مریض: مردانی که هر لحظه امکان دارد مرگ آنها فرا برسد یا به کلی ناتوان شده‌اند یا بیماری‌هایی مانند صرع که البته غیر مسری‌اند، دارند؛ بدین معنا که تمایل جنسی دارند، اما نمی‌توانند ازدواج دائم انجام دهند؛ مردانی که هیچ انگیزه‌ای برای ازدواج در زمان فعلی ندارند و در عین حال، تمایلات جنسی دارند. پسران بسیار جوان که در سنین پانزده یا کمتر به سن بلوغ می‌رسند و گرایش‌های جنسی شدیدی دارند.

۳. مردان متاهلی که تمایلات جنسی آنها ارضا نمی‌شود: نیازهای جنسی بسیاری از مردان متاهل در خانواده ارضا نمی‌شود. از عواملی که مانع از ارضای تمایلات جنسی مرد در خانواده می‌شود می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: عده‌زنی که طلاق گرفته و تا چهل روز نمی‌تواند ازدواج کند و نامزد او باید چهل روز صبر کند؛ دوران عادت ماهیانه زنان؛ سفر زن یا مرد؛ یائسگی زن؛ دوران بارداری؛ عدم تمایل زن به رابطه جنسی: زمانی که زن در یک دوره طولانی تمایلی به رابطه جنسی ندارد مانند ناراحتی از مسئله‌ای یا مشغول بودن فکری یا خسته بودن که ممکن است تا مدت‌ها ادامه یابد (این حالات روانی بیشتر در زنان مشاهده می‌شود زیرا روحيات لطیف و البته منعطفی دارند)؛ عدم توانایی زن در ارضای جنسی شوهر و در نهایت مریضی زن که ممکن است این بیماری طولانی نیز باشد.

۴. زنانی متاهلی که تمایلات جنسی آنها ارضا نمی‌شود: زنان شوهردار به دلیل آن که نمی‌توانند بیش از یک همسر داشته باشند اهمیت زیادی دارند. برخی از این زنان در جامعه گرایش‌های جنسی بالا و شدیدی دارند که در خانواده برآورده نمی‌شود؛ عدم تمایل مرد برای ارضای میل جنسی زن؛ عدم توانایی مرد برای ارضای میل جنسی زن؛ مسافرت زن یا مرد؛ مریضی مرد.

بنابراین، اگر نیاز واقعی انسان در برقراری رابطه جنسی را در نظر بگیریم و راه‌های برآورده شدن این نیاز پذیرفته شده را مرور کنیم، در خواهیم یافت که بخش قابل توجهی از جامعه الگوی بهنجاری را برای هدایت و رفع نیاز جنسی خود در فرهنگ نمی‌یابند و این نیاز واقعی سبب می‌شود تا به روش‌های نابهنجار برای برآورده شدن این نیاز، توسل جویند.

ازدواج‌های دائم به سبب آن که به عنوان یک الگوی بهنجار شناخته می‌شود مسائل و مشکلات آن بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی نبود یک الگوی بهنجار برای کسانی که امکان ازدواج دائم تک‌همسری ندارند، یک مسئله فرعی نسبت به مسائل مربوط به ازدواج‌های دائم تک‌همسری نیست، بلکه خانواده و به ویژه خانواده‌هایی که حاصل ازدواج دائم هستند، بخشی از مسئله به شمار می‌آیند.

به عبارت دیگر فرهنگ، نیاز به الگوهای بهنجاری دارد که با برطرف کردن نیاز کسانی که امکان تشکیل این نوع از خانواده‌ها را ندارند، موانع را از سر راه ازدواج‌های دائم بردارد. هنگامی که الگوی بهنجاری در نسبت با ازدواج دائم تعریف نشده باشد، الگوهای نابهنجار رواج خواهند یافت که نه تنها مانع ازدواج‌های دائم هستند، بلکه سبب از هم‌پاشیده شدن این نوع از خانواده خواهند شد.

دو الگوی نابهنجار در فرهنگ ایرانی به عنوان جایگزین ازدواج دائمی تک همسری وجود دارد. اول همان رابطه دوستی است که پیشتر بدان اشاره شد و دیگری «ازدواج موقت» و «تعدد زوجات». ازدواج موقت و تعدد زوجات از جهت شرعی و قانونی مشکلی ندارد؛ زیرا مشروعیت آن از سوی فقه تایید و حدود آن به‌خوبی ترسیم شده است. در صیغه و تعدد زوجات دو طرف ملتزم به قواعدی (مهریه، اجازه پدر، نگاه داشتن عده، عدم ارتباط جنسی زن با مرد دیگر و مشخص بودن والدین، داشتن ارث و ...) هستند که کاملاً متفاوت از گزینه‌های نامشروع در روابط جنسی است و پیامدهای رابطه نامشروع را ندارد. اما ناهنجاری ازدواج موقت و تعدد زوجات به سبب آن است که در الگوی فرهنگی ایرانی پذیرفته نشده است و به عنوان خیانت یا شهوت‌رانی تعریف می‌شود. حتی گاه اینگونه از ازدواج در نسبت با شیوه‌های مدرن همچون روابط دوستانه (برقراری روابط جنسی از طریق دوستی) ناپسندتر جلوه می‌کنند.

مشکلاتی که در فرهنگ سنتی و مدرن در ایران برای صیغه و تعدد زوجات وجود دارد، مانع آن است که مرد صیغه را بپذیرد یا سیاست‌گذار آن را به عنوان راه حل برون‌رفت به سیاست تبدیل کرده و از آن حمایت کند. صیغه و تعدد زوجات تا زمانی که در قالب یک الگوی بهنجار در نسبت با ازدواج دائم و عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب فرهنگ تعریف نشود، به عنوان راه حل مناسب وارد چرخه سیاست‌گذاری نخواهد شد.

شایسته است پیش از بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی در این زمینه، نگاهی به چند راه حل به ظاهر بهنجار که برای این افراد ارائه شده است، بیندازیم. چهار مورد از مهم‌ترین راه‌حل‌هایی که برای این افراد (کسانی که از مظان ازدواج دائم تک‌همسری خارج‌اند) ارائه شده از این قرارند:

۱. تشویق به ازدواج دائم تک‌همسری با مردان و زنان نازا، بیمار، مسن، زنان نازیبا و فقیر؛
۲. تشویق به ازدواج دائم برای کسانی که نمی‌خواهند ازدواج کنند؛
۳. ترویج فرهنگ تقوا و خودداری؛ و توصیه به مقاومت در برابر فشارهای جنسی؛
۴. شناسایی این افراد و کنترل آنها با مشغول نمودن آنها به فعالیت‌های دیگر.

همه این راه‌حل‌ها یا نیازمند به زمان زیاد و هزینه‌های بالا هستند یا در تقابل با فطرت و غریزه‌های انسانی‌اند. مهمتر آن‌که این دیدگاه‌ها بدون توجه به ابعاد مختلف مسئله و بدون داشتن یک نظریه جامع طرح شده‌اند و فرهنگ ایرانی نیز آن را بر نمی‌تابد. هر فردی دوست دارد فرزندی واقعی از خود داشته باشد و تمایل به زندگی با زنی جوان و زیبا دارد. تعالیم دینی نیز برای هدایت امیال انسانی وضع شده‌اند نه برای سرکوب آنها و راه‌حل‌ها نباید در پی پاک کردن صورت مسئله باشد.

تحلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

آیا جمهوری اسلامی ایران سیاستی برای حل مسئله فوق به کار گرفته است؟ در زیر پنج سیاست عمده در این رابطه تحلیل شده است و سیاست‌های پنج‌ساله سه دولت اخیر مورد مطالعه قرار گرفته است.

دستور العمل تشکیل ستاد ملی زن و خانواده

شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل ستادی با نام ستاد ملی زن و خانواده را در بهمن ماه ۱۳۸۹ تصویب نمود. وظایف زیر بر عهده این ستاد گذارده شده است:

۱. تنظیم سیاست‌های اجرایی، راهبردها و آئین‌نامه‌های اجرایی به منظور تحقق سیاست‌ها، دستورات و اوامر مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلان نظام مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی در موضوع زنان و خانواده؛
 ۲. تعامل فعال با مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه در زمینه تهیه و تدوین آئین‌نامه‌ها، لوایح و طرح‌های پیشنهادی به دولت و مجلس شورای اسلامی و تنظیم راهکارهای اجرایی مصوبات آنها؛
 ۳. تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده متناسب با ارزشهای اسلامی در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی؛
 - ۴ - تنظیم و تصویب ساختارها و برنامه‌ریزی، ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های دستگاه‌ها در خصوص زنان و خانواده؛
 ۵. نظارت و ارزیابی مستمر بر میزان تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در دستگاه‌ها و ارائه گزارش دوره‌ای به شورای عالی و دیگر مراجع ذیصلاح در حوزه زنان و خانواده.
- در جلسه دوم ستاد ملی زن و خانواده مصوبه «برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی

خانواده» مصوب شد که بالغ بر ۳۰۰ برنامه بود. آموزش‌هایی برای ارتقاء و ساماندهی زنان و خانواده، مباحث حقوقی و تدوین منشور حقوقی خانواده، مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی: مانند تقویت مشاغل خانگی، مباحث فرهنگی و همچنین پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در مقابله با جنگ نرم بخش‌هایی از این برنامه‌هاست.^۱

تصویب برنامه ارتقاء توانمندی‌های زنان و تحکیم خانواده

در تاریخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۲ هیئت وزیران برنامه‌ای را با نام «برنامه ارتقاء توانمندی‌های زنان و تحکیم بنیان خانواده» تصویب کرد و به مرکز امور زنان و خانواده، ابلاغ نمود. اولویت‌های این تصمیمات در ده بند تنظیم شده است:

الف) توسعه آموزش، پژوهش و اطلاع‌رسانی در جهت تعمیق باورهای دینی و گسترش فرهنگ حجاب و عفاف؛

ب) زمینه‌سازی به منظور تسهیل ازدواج، تحکیم و تعالی بنیان خانواده؛

ج) اجرای برنامه‌ها و ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی به منظور توانمندسازی، ارتقاء کیفیت زندگی، حرفه‌آموزی و ارتقای مهارت‌های شغلی، بهداشت روانی و سلامت جسمانی زنان و پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد ابتلای زنان و خانواده با تأکید بر زوج‌های جوان، زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های محروم؛
د) بهینه‌سازی اوقات فراغت زنان از طریق افزایش توان دسترسی به فضاها و برنامه‌های تفریحی، ورزشی و فرهنگی.

ه) متناسب‌سازی فرصت‌های شغلی زنان با نیازهای زنان جامعه و خانواده؛

و) ارائه خدمات مشاوره حقوقی و قضایی به زنان؛

ز) توانمندسازی تعاونی‌های زنان؛

ح) حمایت از پروژه‌های پژوهشی و فرهنگی؛

ط) حمایت و تشویق زنان متعهد کارآفرین، هنرمند، محقق، نویسنده، پژوهشگر و نخبه در عرصه‌های مختلف.

ی) گسترش و اصلاح تعاملات تأثیرگذار زنان در عرصه‌های بین‌المللی.

اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن

شورای عالی انقلاب فرهنگی در مرداد سال ۱۳۸۴ متنی را تصویب کرد که هفت هدف را

۱. پورتال ستاد ملی زن و خانواده، دسترسی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲

- مدنظر قرار می‌داد و راهبردها و سیاست‌های اجرایی آن را ابلاغ نمود:
۱. تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛
 ۲. حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛
 ۳. ارتقاء سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه؛
 ۴. همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه ریزی‌ها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛
 ۵. آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یک‌دیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه؛
 ۶. گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه؛
 ۷. ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده.

آیین نامه سازماندهی ازدواج جوانان

هیئت وزیران در اسفند ۱۳۸۳ خطاب به سازمان ملی جوانان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آیین‌نامه‌ای را با نام «سازماندهی ازدواج جوانان» ابلاغ کرد. دو محور اصلی این آیین‌نامه، جمع‌آوری آمارهای مربوط به ازدواج و طلاق و تأسیس «صندوق ازدواج جوانان» است.

حمایت‌های مالی از ازدواج

صندوق اشتغال، وام ازدواج مهر امام رضا ۷ و اختصاص مبالغی برای حمایت از ازدواج در شهرهای مختلف، رئوس مصوبه‌هایی‌اند که دولت برای حمایت از امر ازدواج، تصویب نموده است.

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

مشارکت زنان در امور اجتماعی به عنوان اولین خط مشی در اولین برنامه توسعه کشور در نظر گرفته شده است. در بخش خط‌مشی از قسمت یکم در این قانون آمده است: «۱۸-۳- مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن».

اولین قانون برنامه، مسئله در خصوص خانواده را افزایش جمعیت می‌داند که «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور» راه حل رفع آن پنداشته شده است:

بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۴.۶ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳.۲ به ۲.۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۳.۲ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدفها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲.۹ درصد رانتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است. به منظور نیل به این هدف، «وزارت بهداشت، درمان و آموزش» پزشکی به عنوان مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات خود، به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۶۸ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. از این دیدگاه، اولویت با آن قسم از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده‌اند.

قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

قانون دوم توسعه نیز در دوران دولت سازندگی نگاشته شده است. در بخش خط‌مشی‌های اساسی، عدم تمایل به ازدواج به عنوان مسئله شناسایی گردید:

«۱۴- ترغیب نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده با تسهیل شرایط، تعدیل توقعات، کاهش تشریفات و آگاهی نسبت به روش‌های و معیارهای شرعی درانتخاب همسر و حقوق خانواده» اما همچنان تحدید موالید پی گرفته شد. برنامه دوم توسعه ادامه تلاش برای مقابله با افزایش جمعیت در ایران بود که تحت عنوان «تنظیم خانواده» در این برنامه گنجانده شده بود:

- ۲-۵ - تنظیم خانواده و رشد جمعیت:
- ۱-۲-۵ - تأمین و تعمیم گسترده وسایل پیش گیری از بارداری در سطح مناطق جغرافیایی کشور به ویژه روستاها و مناطق محروم.
- ۲-۲-۵ - کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روشها و تکنولوژی های جدید در امر پیش گیری از بارداری.
- ۳-۲-۵ - اختصاص بخشی از فعالیت بیمارستانها، درمانگاهها و مراکز بهداشتی در سطح کشور به منظور ارائه مستمر خدمات پیش گیری از بارداری.
- ۴-۲-۵ - لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی-اجتماعی، مشوق خانوارهای پر جمعیت.
- ۵-۲-۵ - پژوهش در مورد مصادیق سیاست های فوق.

قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)

قانون برنامه سوم توسعه در زمینه حمایت از خانواده تنها با توجه به رویکردهای دوره اصلاحات به مشارکت زنان در ماده ۱۵۸ پرداخته است:

ماده ۱۵۸ - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه های اجرایی ذی ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف) با بهره گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه های اجرایی ذی ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند.

ب) طرح های لازم برای افزایش فرصت های اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیأت وزیران ارائه کند.

ج) با سازماندهی فعالیت های مطالعاتی مشترک با دستگاه های مسئول در قوه قضائیه، طرح های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاه های مسئول پی گیری کند.

د) برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قایل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیر دولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند»

ماده ۱۵۷ نیز «سازمان ملی جوانان» را مأمور برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیت‌های حوزه جوانان کرده است.

قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴ - ۱۳۸۸)

برنامه چهارم توسعه نیز در دوران اصلاحات تدوین شد که اهتمام زیادی به استقلال زنان داشت. در بخش ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، بخش سوم، فصل هشتم: ماده ۹۶، مواد زیر به تصویب رسید:

ج) تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی) برای حمایت از زنان سرپرست‌خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست.
 ی) تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست‌خانوار با همکاری دیگر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکیل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیأت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه.

ل) افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی بر مبنای چهل درصد (۴۰٪) حداقل حقوق و دستمزد در سال نخست برنامه.

ه) تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذی‌ربط.

قوانین موسوم به تحکیم خانواده نیز از همین دوران تحت ماده ۱۱۱ مورد توجه قرار گرفت: دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد:

الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر

بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.

ب) تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده، جهت تصویب در مراجع ذیصلاح.

ج) انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیش‌گیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی برای رفع خشونت علیه زنان.

د) تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۰ - ۱۳۹۴)

این برنامه با یک سال تاخیر تصویب شد، به گونه‌ای که کشور در سال ۱۳۸۹ مشمول برنامه توسعه نبود. برنامه پنجم توسعه در فصل سوم مسائل اجتماعی را با محوریت ارتقای نیروی انسانی نگاشته است. ماده ۳۹ از مبحث چهارم این فصل به توانمندسازی و حمایت از «افراد و گروه‌های نیازمند و به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند» پرداخته است. اما در ماده ۴۱ از همین فصل محورهای زیر با عنوان «سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده» آمده اند:

الف) دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات عمومی غیردولتی ذی‌ربط که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، بر اساس منشور تربیتی نسل جوان و سند ملی توسعه و ساماندهی امور جوانان مصوب دولت ضمن ایجاد «برنامه ساماندهی امور جوانان» ذیل بودجه سنواتی خود از طریق ستاد ملی و استانی ساماندهی امور جوانان اقدامات لازم را جهت اجرایی شدن این اسناد در طول سال‌های برنامه به عمل آورند.

ب) دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات عمومی غیردولتی ذی‌ربط که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، با همکاری سازمان ملی جوانان میزان تحقق شاخص‌های مصوب شورای عالی جوانان را درباره اجرایی نمودن «برنامه ساماندهی امور جوانان» مورد سنجش و پایش قرار دهند.

ج) دولت لایحه ساماندهی تکالیف دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را با هدف بازنگری و شفاف‌سازی

وظایف آنها در رویارویی با مسائل و چالش‌های فراروی جوانان تهیه و در سال نخست برنامه جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده، منشور، سند ملی و لایحه موضوع بند (ج) توسط سازمان ملی جوانان و معاونت در سال نخست برنامه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تیرماه سال ۱۳۹۰ نیز ماده ۲۲۷ در این سند اصلاح شد و دولت موظف به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت خانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد.

ماده ۲۳۰ نیز سندی دیگر را از دولت با عنوان «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده مطالبه می‌کند.

بررسی و نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌هایی که تاکنون در جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است هیچ توجهی به مسئله نیاز جنسی به عنوان یکی از اولین، فراگیرترین و همگانی‌ترین نیازهای انسان و حتی مشکل ابتدال در جامعه نداشته و دو پیش‌فرض را مسلم انگاشته است: الف) همه می‌توانند خانواده (دائم تک همسری) تشکیل دهند و خانواده باید حمایت شود و ب) این حمایت باید به شکل کمک‌های مالی، اشتغال و مسکن باشد. بدین ترتیب مسئله‌ای که پیش از اینها طرح شد برای سیاست‌گذار یک مسئله نبوده و بسیاری از آنها که امکان تشکیل خانواده ندارند به کل از دایره سیاست‌گذاری خارج بوده‌اند. بدین معنا که سیاست‌گذاران نیاز جنسی زنان نازا، پا به سن گذاشته، بیوه، بیمار، دختران نوجوان و زنانی که امکان چندان برای ازدواج ندارند را از دایره توجه حذف کرده‌اند. همچنین مردانی که نازا و مریض هستند یا در زمان نیاز به روابط جنسی قادر به ازدواج دائم نیستند، در جامعه ایرانی جایی ندارند. حتی مردان متأهلی که در

خانواده نیاز جنسی آنها رفع نمی‌شود نیز درگیر مشکلات زیادی هستند. دولت و سیاست‌گذاران دولت بدون تبیین مسئله و داشتن نظریه به سراغ طراحی سیاست می‌روند. زن و مرد در برنامه‌های توسعه مستقل از هم‌دیگر تعریف شده‌اند که متاثر از پارادایم مدرن در رابطه با خانواده است. دخالت‌های دولت برای حمایت از زنان به آن انجامیده که زنان را به تجرد و بیوه بودن سوق می‌دهد. حمایت‌های دولت به زنان سرپرست خانوار با اعطای کمک‌های مالی مستقیم موید چنین رویکردی است، در حالی که راه حل‌های زیادی برای حمایت از این زنان در خلال تشکیل خانواده وجود دارد. سیاست‌های دولت در لایحه تحکیم خانواده (ازدواج دائم تک همسری) نیز بیش از آن که به ترویج ازدواج بیانجامد، به ابزاری برای سرکوب نیازهای جنسی افرادی تبدیل شده؛ افرادی که نمی‌توانند ازدواج دائم داشته باشند. با این شیوه سیاست‌گذاری، تنها راه قانونی و شرعی برای هدایت نیاز جنسی را ازدواج دائم تک‌همسری قرار داده‌ایم و کسانی همچون زنان بیوه و یا نازبا را بسوی روابط نامشروع و غیرقانونی سوق داده‌ایم.

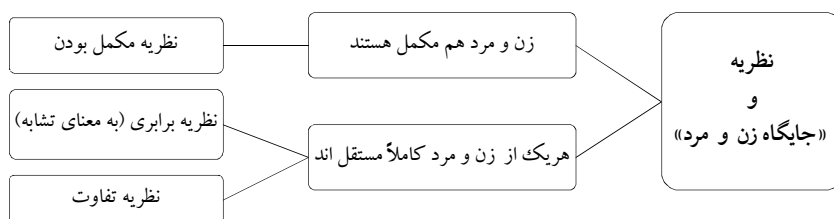
تنها سرمایه‌ای که هم اکنون در حوزه سیاست‌گذاری جنسی داریم، مربوط به احکام مجازات اسلامی در مقابله با زناست که در شرایط کنونی حد زنا محصنه نیز اجرا نمی‌شود. دیگر احکام اسلامی مانند صیغه و تعدد زوجات نیز نابهنجار تلقی می‌شوند. نیروی انتظامی نیز در قالب «پلیس امنیت اخلاقی» با زنان و مردان با پوشش نامناسب برخورد می‌کند. نتیجه آن که بیشتر قوانین و سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه منفعل و سلبی هستند تا فعالانه و ایجابی.

جنسیت، سنت و مدرنیته در ایران

مسئله روابط جنسی بخشی از مسئله سنت و مدرنیته به حساب می‌آید. روابط جنسی در ایران میان دو گانه سنتی و مدرن سرگردان است و همانند بسیاری از دوگانه‌های دیگر سنت و مدرنیته بدون پاسخ مانده یا پاسخهایی عجولانه به آن داده است. بی‌تردید صورت این دوگانه در ایران با دیگر نقاط جهان تفاوت‌های بسیار دارد و متاثر از مناسبات دینی و فرهنگی جامعه ایرانی صورت جدیدی پیدا کرده است. مدرنیته در جریان روشنگری، فردگرایی را در برابر نفوذ نهادهای مذهبی رواج داد. بیشترین تأثیر این فردگرایی بر خانواده‌های مذهبی بود که آنها را از خانواده‌های گسترده به هسته‌ای تبدیل کرد و حتی بسیاری از پیوندهای زن و مرد در خانواده هسته‌ای را نیز از هم گسیخت. (باتامور، ۱۳۵۵: ۱۹۲) این گسیختگی به معنای استقلال نسبی زن و مرد نسبت به هم بود که در قالب «نظریه برابری» تعریف شد (آبوت‌والاس، ۱۳۸۴: ۳۹). پیوندهای خانوادگی جای خود را به روابط ناسیونالیستی، فمینیستی و کاپیتالیستی داد. زنان و

مردان می‌توانستند بدون رعایت هنجارهای مذهبی در روابط جنسی، از کلیه حقوق مدنی برخوردار باشند. روابط زن با زن یا مرد با مرد با گسترش جنبش‌های فمینیستی و هم‌جنس‌گرایی ممکن شد. زنان و حتی مردان می‌توانستند نیروی جنسی خود را بفروشند یا در قالب شرکت‌هایی نقش واسطه و دلالتی را برای روابط جنسی بازی کنند.

«نظریه برابری» با آن‌که از تفکر مدرن برخاسته بود و پشتوانه خوبی برای تفکر مدرن در مقابل تفکر سنتی بود اما کارکردهای نامطلوبی برای مدرنیته در برداشت؛ زیرا بسیاری از تفاوت‌های آنها به ویژه تفاوت‌های زیستی را برای ایجاد بهره‌وری در جهان بازتعریف شده مدرن در نظر نمی‌گرفت. به همین سبب «نظریه برابری» به «نظریه تفاوت» ارتقا یافت. نظریه برابری و تفاوت در شاخه‌های سوسیال، کمونیست، لیبرال و رادیکال گسترش یافتند و بخش عمده‌ای از گفتمان جنسی را نیز به خود اختصاص دادند و شکل‌های جدیدی از روابط جنسی را مبتنی بر تفکر مدرن ترویج کردند. بدین ترتیب می‌توان دیدگاه‌ها در باب روابط جنسی را در سه نظریه عمده گنجانند:



نظریه مکمل بودن، زن و مرد را یک واحد می‌داند که در قالب خانواده شکل گرفته است، اما نظریه برابری و نظریه تفاوت زن را یک واحد و مرد را یک واحد می‌دانند. نظریه مکمل بودن به برابری و تفاوت زن و مرد توأمان توجه دارد. زن و مرد تفاوت‌هایی دارند که با پیوند آنها یک واحد متکامل پدید می‌آید، اما با این همه حقوقی برابر (نه متشابه) دارند. (مطهری، ۱۳۷۸) بدین ترتیب روابط جنسی زن با زن یا مرد با مرد در نظریه مکمل بودن مانع از تکامل مرد و زن و از همین رو، مردود است. با این حال، نظریه مکمل بودن به سبب آن‌که به عنوان یک نظریه سنتی صورت‌بندی شده است و متناسب با محیط فرهنگی جدید انقلاب اسلامی باز تولید نشده است، ناکارآمدتر از دو نظریه دیگر باقی مانده است.

دوگانه روابط جنسی مدرن و سنتی در جامعه ایرانی صورت‌های جدیدی یافته است؛ زیرا از یک سو حکومت در قالب یک دولت - ملت شناخته می‌شود، اما سازمان‌ها، نهادها، قانون و سیاست‌های انقلاب اسلامی در چارچوب فقه اسلامی سامان یافته‌اند. از یک سو

جنبش‌های فمینیستی خود را بر اساس دیدگاه‌های اسلام بازتولید کرده‌اند و از سوی دیگر تجارت سکس و فاحشه در کشور به صورت رسمی ممنوع و به صورت غیررسمی در حال گسترش است. دو گانه سنت و تجدد در قالب رفتارهای متظاهرانه، ریاکارانه و التقاطی پنهان و صورت‌بندی می‌شود و پدیده‌های نابهنجار جدیدتری را رقم می‌زند.

بنابراین ترکیب شیوه‌های مدرن و سنتی یا اتخاذ یکی از آنها به حل مشکلات جنسی در ایران هیچ کمکی نمی‌کند زیرا هر یک از آنها الگوهایی فرهنگی متناسب با مبانی معرفتی خود هستند بلکه باید «الگوهای فرهنگی» جدیدی متناسب با مبانی معرفتی در اسلام «تعریف» گردند به عبارت دیگر باید «معروف»ها در جامعه اسلامی بازتعریف شوند تا مقدمه واجب «امر به معروف و نهی از منکر» فراهم گردد.

نظریه‌های سیاست‌گذاری و نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی

سیاست‌گذاری از مسئله شروع می‌شود، اما از جهت مبنا، محتاج یک نظریه است. این نظریه باید در سطوح مختلفی، مسئله را مورد توجه قرار دهد. نظریه‌های مختلفی همچون نظریه بازیها، نظریه سیستمی، مدل فرآیندی و مدل SWOT در طراحی یک سیاست وجود دارد (ت. دای ۱۳۸۷) که بیشتر رویکردهای پراگماتیستی دارند و اساساً سکولار، ضد مبنا و حقیقت هستند (رورتی ۱۳۸۴، ۵۴). الگوهای مهمی نیز همچون نظریه نظام‌های پارسونز، سرمایه‌های اجتماعی بوردیو، کنش ارتباطی هابرماس نیز خارج از رویکردهای پراگماتیستی، الهام بخش بسیاری از نظریات و سیاست‌گذاری‌هاست. بسیاری از دیدگاه‌های سیاست‌گذاران تحت تاثیر دسته‌بندی چهارگانه «اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی» در نظریه نظام‌های پارسونز قرار دارند و عوامل تاثیرگذار بر موضوع سیاست‌گذاری را با کمک این چهار حوزه شناسایی می‌کنند (اسمیت، ۱۳۸۳، ۴۵). این شیوه دسته‌بندی اگرچه ظاهری منطقی دارد اما به شدت در برابر تغییر مقاومت می‌کند. بوردیو نیز با مفهوم «سرمایه» و انواع آن (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تاثیر مهمی بر رویکردهای اروپایی در سیاست‌گذاری گذاشته است. به نظر بوردیو، کنشگران با تبادل سرمایه‌ها و تغییر حوزه‌های عمل، خود را از همدیگر متمایز می‌کنند و «سبک‌های زندگی»^۱ را پدید می‌آورند (شوتس ایشل، ۱۳۹۱: ۴۵۹). کنش ارتباطی هابرماس نیز با تمایز کردن خود از کنش هنجاری پارسونز و کنش ابزاری مارکس و کنش راهبردی پراگماتیسم و نقد آنها، چارچوب فکری جدیدی را در مطالعات انتقادی پدید آورد. هابرماس با استفاده از چارچوب مفهومی «خود و دیگری» در پدیدارشناسی و مسئله

۱ به نظر بوردیو، عادت‌واره‌ها در تعامل با میدان‌ها.

فهم، کنش ارتباطی را بازتعریف کرد. به نظر او یک کنش ارتباطی، فهم دو طرف رابطه را مورد توجه قرار می‌دهد که به «تفاهم» و «توافق» منجر می‌شود (همان: ۲۸۳). کنش ارتباطی عمق و قدرت زیادی در فهم سیاست‌گذاری در خارج از تفکر پراگماتیستی فراهم می‌کند. برای نمونه ماریون یانگ در مقاله «ارتباطات و دیگری» بر مبنای نظریه کنش ارتباطی هابرماس گونه‌ای جدید از دموکراسی ارتباطی را طرح می‌کند.^۱ با این وجود تفاهمی که هابرماس از آن سخن می‌گوید هدف و مقصودی را در نظر ندارد و تفاهم بدون معنا و هدف امکان‌پذیر نیست. نظریه هابرماس تنها قادر است آینده را بر اساس گذشته تغییر دهد اما در چارچوب تفکر دینی، گذشته و حال با فهم آینده مورد بازسازی قرار می‌گیرد.^۲

اما رویکردهای دینی همواره هدف محور و مبنایگر هستند. در این مجال کوتاه تلاش می‌کنیم تا چارچوبی نظری با الهام از حکمت اسلامی برای جمهوری اسلامی ترسیم شود. در حکمت اسلامی انسان به طور همزمان در عوالمی زندگی می‌کند که نسبتی تشکیکی با یکدیگر دارند و «نفس» انسانی در این مراتب مشکک، حرکت و سیوریت دارد. عوالم هستی‌شناختی در حکمت اسلامی تفاوت‌های زیادی با طبقه‌بندی‌های معرفت‌شناختی یا جامعه‌شناختی مذکور دارد. طبقه‌بندی‌های پارسونز، هابرماس و بوردویو به جهان‌ها و عوالمی اشاره می‌کنند که هم عرض یکدیگر هستند و هیچ سیوریتی برای انسان قائل نیستند. با نظری به این عوالم می‌توان نظریه‌ای فرهنگی را برای سیاست‌گذاری ارائه نمود:

(۱) معرفت عقلی: یک نظریه در نگاه اسلامی مبتنی بر معارفی است که نسبت به انسان‌ها استقلال و عینیت دارند. این معرفت مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختی را روشن می‌کند و مبنای یک نظریه حقیقی را تکوین می‌بخشد. نیاز جنسی را نباید صرفاً یک نیاز غریزی برای انسان دانست بلکه اهمیتی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دارد و بسیاری از مبانی انسان‌شناختی از همین نیاز انسانی شروع به نظریه‌پردازی می‌کنند. برای نمونه اشتروس معتقد است که تابوی زنا با محارم مبدا حیات فرهنگی است.^۳ در حکمت اسلامی نیز توجه به رابطه زن و مرد به شیوه‌ای کاملاً متفاوت مورد توجه بوده است که باید مبنای سیاست‌گذاری قرار گیرد.

(۲) فرهنگ و زبان: نظریه باید زبان جدیدی را متناسب با زندگی روزمره مردم تولید کند

۱. نک: توانا، محمدعلی، «برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ»، زن در توسعه و سیاست، زمستان ۱۳۹۰، ش ۳۵.

۲. «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (اسراء: ۱۹) / وَرَبُّكَ أَنْ تُنْمَنَ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّلَهُمْ أَنَّمَا وَنَجَّلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵)

۳. نک: اشتراوس، لوی، (۱۹۶۹) ساختارهای اولیه خویشاوندی، انتشارات بیكون.

و موضع متناسب و موجه‌تری در قبال دیدگاه مدرن داشته باشد. بخش مهمی از روابط نامشروع نیز با استفاده از اصطلاح «روابط دوستانه» جای خویش را در فرهنگ باز کرده‌اند. در فقه اهل تسنن نیز انواع جدیدی از رابطه جنسی تحت عنوان «مسیار»^۱ به عنوان الگوهای فرهنگی بهنجار سربرآورده‌اند. نظریه باید در قالب مفاهیم جدید و پذیرفته شده، «الگوهای بهنجاری را برای رفع نیاز جنسی کسانی که ازدواج دائم تک‌همسری برایشان ممکن نیست» مشخص نماید. این زبان جدید که به عمیق‌ترین اعتقادات مردم ارجاع می‌دهد زمینه فرهنگی موجه و مناسبی برای تحقق شیوه‌های بهنجار فراهم می‌کند که برای مردم قابل فهم و کاملاً پذیرفتنی است تا نظریه با توجه به فرهنگ مردم باز تولید نشود، مراحل دیگر ممکن نخواهد شد. فرهنگ و معرفت است که لایه‌های نهادی و مادی خود را می‌سازد. فقه شیعی می‌تواند با مبنای اصولی خود و به کمک تحقیقات «مردم‌نگارانه»، «مصاحبه‌های قانونی» یا «مصاحبه‌های گروهی» متعدد و طولانی مدت و به کمک «تحلیل مضمونی» یا «نظریه مبنایی»، الگوها و زبان متناسب با بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اسلامی-ایرانی طراحی کند.

۳) نهاد و سازمان: هر نیازی در جامعه مستلزم نهادها و سازمان‌هایی است که ابعاد حقوقی، اقتصادی و اجتماعی آن را هدایت کنند و رسمیت ببخشند. «نیاز جنسی کسانی که ازدواج دائم تک‌همسری برایشان ممکن نیست» در جامعه مستلزم نهادهای آموزشی، مشاوره‌ای، حقوقی و مالی است تا «راه‌های بهنجار رفع این نیاز» نهادینه شود و به رسمیت شناخته شود. پدید آمدن چنین نهادها و سازمان‌هایی، به ابعاد سیاسی نظریه مرتبط می‌شود. ابعاد سیاسی نظریه مشخص می‌کند که رابطه دولت، مجلس، قوه قضائیه، حوزه‌های علمیه، صدا و سیما و خانواده چگونه باید شکل بگیرد؟ ابعاد حقوقی، اقتصادی و اجتماعی باید با توجه به تحلیل سیاسی و در چارچوب مطالعه فرهنگی، فقهی و فلسفی در نظر گرفته شود در غیر این صورت به قفسی برای انسان تبدیل می‌شوند.

۴) وسایل و ابزارهای مادی: ابعاد مادی یک نیاز واقعی را نباید کوچک شمرد. ابزارهای پیشگیری از بارداری نمونه‌ای از ابعاد مادی یک الگوی فرهنگی مدرن به شمار می‌آید. زمان و مکان نیز در همین مرتبه مشخص می‌شود؛ اینکه در پارکها، فرهنگسراها یا کافی‌شاپها یک رابطه آغاز شود یا در مسجد، در والتاین باشد یا عید غدیر... این ابعاد مادی باید بسته به «راه‌های بهنجار رفع این نیاز، نهادها، سازمان‌ها و فرهنگی که شکل گرفته» درک شود. این ابعاد مادی توسط سیاست‌گذار ایجاد نمی‌شود بلکه وجودش را از الگوی فرهنگی خویش

می‌گیرد. سیاستگذار با فهم رابطه این الگو و آن ابعاد به این رابطه کمک می‌کند و آن را تسهیل می‌نماید.

بدین ترتیب سیاستها باید با نگاهی کلان به رابطه زن و مرد در نسبت با هستی و معرفت آغاز شود تا بتواند معنا و مقصود حضور انسان را در جهان دریابد. سپس سیاست‌گذاری باید در یک رابطه تفاهمی با فرهنگ و شعور عامه قرار گیرد و در گفتگو با آن، الگوهای فرهنگی متناسب با جایگاه انسان در جهان و مقصود خلق گردد. در مراحل بعد باید روند شکل‌گیری زیرساخت‌های نهادی و مادی را در چارچوب الگوهای فرهنگی و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تسهیل نمود.

نتیجه‌گیری

روابط جنسی نامشروع علت‌ها و عواملی دارد که در جامعه ما ریشه آن بدرستی شناخته نشده است. برای سیاست‌گذاری جنسی باید مسئله شناخته شود و بر روی میز سیاست‌گذاران گذارده شود و راه‌حل‌های آن ذیل نظریات به سیاست‌گذار ارائه شود و بر اساس معیارهای معرفتی، سیاستی منعطف متناسب با فرهنگ درپیش گرفته شود.

در این مقاله پس از بررسی مشکلات و «پیامدهای» روابط نامشروع، به عوامل و «زمینه‌های» این رابطه اشاره شد. مسئله اصلی در چنین روابطی گاه به این پیامدها و زمینه‌ها تقلیل داده می‌شود و راه‌حلهایی سلبی، پرهزینه و کوتاه مدت پیشنهاد می‌شود. مسئله اصلی در این ناهنجاری ریشه در یک «نیاز» واقعی دارد که الگوهای فرهنگی بهنجاری برای رفع وضعیت‌های مختلف آن پدید نیامده است.

بسیاری از افراد امکان ازدواج دائم تک‌همسری را در زمانی که تمایلات جنسی دارند، نمی‌یابند و مسیرهای ناهنجار را برای رفع آن برمی‌گزینند. جامعه ایرانی دو راه حل اساسی برای رفع نیاز جنسی خویش شناخته است؛ الف) روابط دوستانه و ب) ازدواج دائم تک‌همسری. روابط دوستانه به سبب آن که مستوجب هتک حرمت‌های الهی است و پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای حیات یک جامعه اسلامی در پی دارد در سیاست‌گذاری وارد نمی‌شود گویی که چنین اتفاقی در جامعه نمی‌افتد. با تحلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز روشن شد که سیاست‌گذاران، سیاست‌های خویش را بر گزینه ازدواج دائم تک‌همسری متمرکز کرده‌اند، غافل از آن که گزینه ازدواج دائم تک‌همسری پیش‌پای بسیاری از افراد مانند زنان نازا، بیوه، فقیر، مریض، نازیبا و پا به سن گذاشته و... نیست. به بیان دیگر، سیاست‌گذار هیچ توجهی به این مسئله نداشته که افرادی امکان ازدواج دائم

تک همسری را در زمان تمایلات جنسی ندارند.

دشواری‌های فرهنگی در فرهنگ سنتی و مدرن برای ازدواج موقت و تعدد زوجات، مانع از آن است تا مرد یا زن صیغه را بپذیرد یا سیاست گذار آن را به عنوان راه حل برون رفت پیشنهاد کند. شاید گزینه سرکوب گزینه‌های جنسی نیز راه‌حلی باشد که بر روی میز سیاست گذاری باشد، اما به واقع، نمی‌توان نیاز طبیعی انسان و حرکت طبیعی اجتماع انسانی را سرکوب کرد، به ویژه آن که حیات انسانی و نسل بشر بدان وابسته است و سیاست‌های کلان گسترش جمعیت را مورد توجه قرار داده است. نابودی طبیعت انسان به معنای نابودی خود انسان است و این سرکوب پیامدهای پنهانی دارد که دیگر در خلال قواعد انسانی بازی نمی‌کند و در قالب خشونت، بحران و به خصوص بحران جمعیتی و نسلی رخ می‌نماید. از آیه ۸۷ سوره مائده برداشت می‌شود که اسلام هیچ‌گاه میل جنسی را سرکوب نمی‌کند اما با انحراف آن مقابله می‌کند. میل جنسی یک عمل مباح است و نه تنها مذمت نشده، بلکه مدح شده است (فقیهی، ۱۳۸۸: ۳۹).

هر انسان سالمی میل جنسی دارد و به سوی ارضای آن خواهد رفت. نمی‌توان مسیرهای ارضای جنسی را بست و از سوی دیگر انتظار داشت کسی در دام عوامل ایجاد فحشا (شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های مبتدل، روابط دوستانه و ...) گرفتار نشود.

بی‌توجهی به مسئله از آن جا سرچشمه می‌گیرد که در درجه نخست، احکام اسلامی و در درجه دوم فرهنگ سنتی به محاق تفکر مدرن رفته است و در این خلاء ارزشی به وجود آمده، گردباد مخربی شکل گرفته است که همه را به جهتی نامعلوم می‌برد و این به سبب تولید، سازماندهی و عرضه گسترده تفکر و فرهنگ مدرن است. متفکران و سیاست‌گذاران مسلمان باید گزینه‌های موجود را در نظر بگیرند و با تولید، سازماندهی و عرضه فراوان تفکر دینی هم از جهت نظری، راهی یابند و هم زمینه فرهنگی اجرای احکام و راه‌حل‌های اسلامی را با حرکت فکری گسترده و عمیق فراهم نمایند.

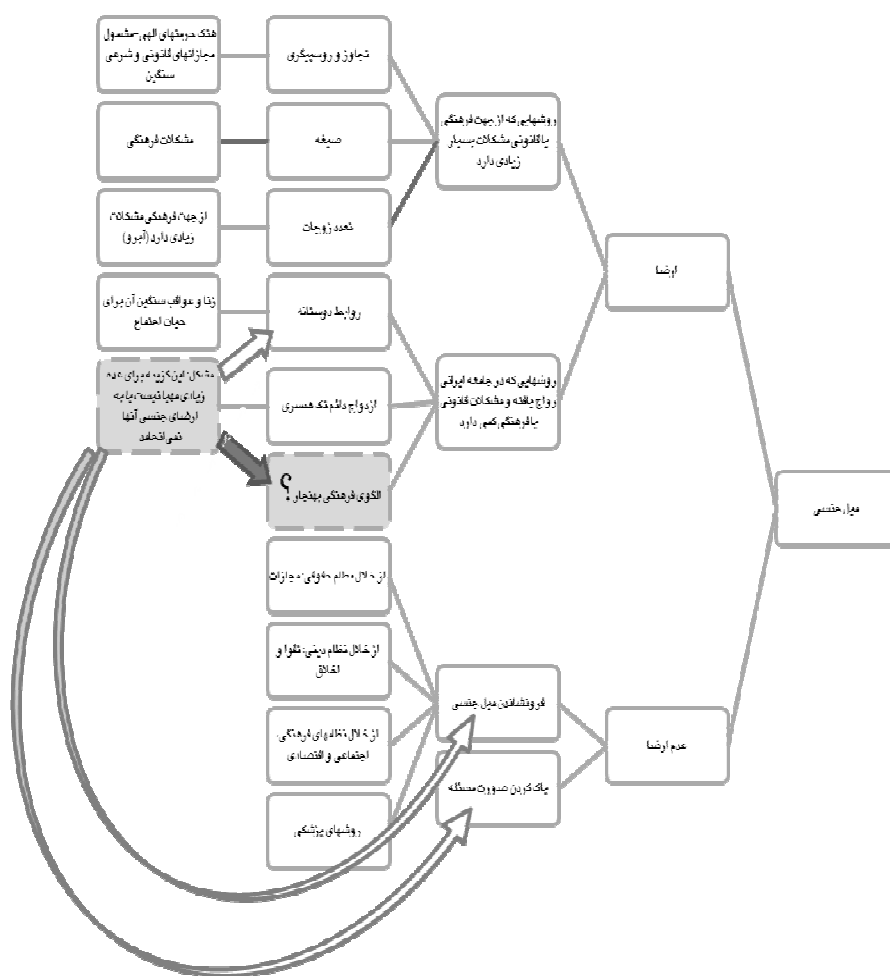
بنابر آنچه بیان شد:

۱. درک درست مسئله و تفکیک آن از پیامدها و زمینه‌ها: علت اصلی روابط نامشروع ریشه در یک نیاز واقعی دارد، سیاست گذار نباید علت اصلی را وانهد و تنها به مقابله با پیامدها و زمینه‌ها همت گمارد.

مشغول شدن سیاست گذار به پیامدها و زمینه‌ها نه تنها هزینه‌های زیاد مالی و فرهنگی در بر خواهد داشت، بلکه مستلزم روش‌های کوتاه‌مدت و سلبی است. مسئله این است

که در جامعه ایرانی الگوی فرهنگی بهنجاری را برای بسیاری از افرادی که تمایلات جنسی دارند و امکان ازدواج دائم تک‌همسری برایشان وجود ندارد، تعریف نشده است. این الگوی بهنجار باید به گونه‌ای باشد که نه تنها نیاز این افراد را برآورده کند که موانع را از پیش پای ازدواج‌های دائم نیز بردارد.

نمودار: جایگاه مسئله و خلاء یک الگوی فرهنگی بهنجار مبتنی بر نظریه



۲. ایجاد زمینه گفت‌وگوهای تخصصی میان صاحب نظران با دیدگاه‌های گوناگون برای

ایجاد فضای علمی و فرهنگی در جهت اتخاذ یک تصمیم در این مسئله.

۳. بررسی نظریه های طرح شده و اتخاذ نظریه ای مورد وفاق که الف) مبانی آن مبتنی بر حکمت و فقه اسلامی شکل گرفته است؛ ب) سازه های فرهنگی و زبانی آن مبتنی بر مطالعات فرهنگی و اعتقادات عمیق مردم تدوین شده باشد؛ ج) ابعاد سازمانی، نهادی و مادی مسئله را در چارچوب مبانی و سازه های فرهنگی توضیح داده باشد

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. آبوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
۳. آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشرنی.
۴. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۰)، «مسئله شناسی سنگ‌بنای سیاست‌گذاری است؛ گفت‌وگو با دکتر کیومرث اشتریان با موضوع «جنسیت و سیاست‌گذاری عمومی». حوراء، ۳۸.
۵. باتامور، تی، بی (۱۳۵۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه: سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلچاهی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
۷. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۱)، جهان‌های اجتماعی، قم: کتاب فردا.
۸. پارسونز، واین. مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها. ترجمه: حمید رضا ملک محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. ثابت، حافظ. (۱۳۸۵)، تربیت جنسی در اسلام. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۰. خبرگزاری بین‌المللی زنان و خانواده (۱۳۹۱)، «آمارهای متفاوت سازمان ثبت اسناد و ثبت احوال درباره طلاق» ۱۳۹۱/۲/۲۶.
- (دستیابی در ۱۳۹۱/۱/۲۳). http://www.wafa.ir/ejtemaee/asib_ejtemaee/17218.html.
۱۱. دای، تامس (۱۳۸۷: ۷۴-۴۳)، «مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۱۲. رورتی، ریچارد (۱۳۸۴)، فلسفه و امید اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری، تهران: نشرنی.
۱۳. سازمان ثبت احوال کشور، «طلاق» ۱۳۹۱.
- (دستیابی در ۱۳۹۱/۳/۲۱). <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4760>.
۱۴. شوتس ایشل، راینر (۱۳۹۱)، مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات، ترجمه: کرامت اله راسخ، تهران: نشرنی.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. تدوین: محمد

- تقی مروارید و علی اصغر مروارید. بیروت: دار التراث-الدار الإسلامیه.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقة، قم: داوری.
۱۷. صادقی اردستانی، احمد (۱۳۵۰)، اسلام و مسائل جنسی و زناشویی، تهران: انتشارات موسسه مطبوعاتی خزر.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین و دیگران (۱۳۷۴)، ازدواج موقت یا متعه، صالح حسینی، قم: انتشارات امام صادق (ع).
۱۹. فروید، زیگموند (۱۳۸۲)، ناخوشایندی‌های فرهنگ، ترجمه: امید مهرگان، تهران: گام نو.
۲۰. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۸)، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روشها، از منظر قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۲۱. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۱)، «ضرورت تدوین اخلاق جنسی»، پگاه حوزه، ش ۸۴.
۲۲. _____ (۱۳۸۶)، «منظری اسلامی به ارتباطات و رسانه» در کتاب دین و رسانه، تدوین: محمدرضا حودی یگانه و حمید عبداللهیان، تهران: دفتر پژوهشهای رادیو.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. قانون‌های برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. کرمی، محمدتقی (۱۳۸۹: ۸۵). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده» فصلنامه زنان، ش ۴۸، تابستان.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
۲۷. کوئن، بروس (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: عباسعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاووشیان. تهران: نشرنی.
۲۹. لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، ویرایش ۳. ۱. ۱، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران.
۳۰. مالیفسکی، برانیسلاو (۱۳۸۷)، غریزه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۴ ق)، توضیح المسائل (المحشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۳. فارابی، ابونصر (۱۳۷۴)، کتاب الحروف، بیروت: دارالمشرق. جلد ۶. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. ویتز، پاول سی (۱۳۹۰)، ترجمه عباسی، «فروپاشی خانواده: نتایج تحقیقات علوم اجتماعی» حوراء، ش ۳۸.

35. Goffman, Erving. *The Presentation of Self in Everyday Life*. Edinburgh: University of Edinburgh, 1956.
36. Lévi-Strauss, Claude (1969): *The elementary structures of kinship*. Rev. ed. Boston: Beacon Press